

فهرست مطالب

چکیده.....	۴
مقدمه.....	۵
فصل اول - کلیات	
- تعریف مساله و بیان سوالهای اصلی تحقیق.....	۸
- سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....	۸
- فرضیه ها.....	۸
- اهداف.....	۸
- روش کار.....	۹
- تعاریف و مفاهیم.....	۹
- ویژگی نثریات در دوره قاجاریه در شهرهای کردنشین.....	۱۴
- نوع و روش.....	۱۴
- ویژگی و وابستگی نثریات.....	۱۶
- توقیف و سانسور مطبوعات در شهرهای کردنشین در دوره قاجاریه.....	۱۹
- ترتیب انتشار نثریات.....	۲۲
- زبان نثریات.....	۲۳
- ویژگی نثریات شهرهای کردنشین در دوره پهلوی.....	۲۳
- نوع و روش نثریات.....	۲۷
- ترتیب انتشار نثریات.....	۲۸
- پراکندگی نثریات.....	۲۸
- کیفیت و دوام نثریات.....	۲۸
- وابستگی نثریات.....	۲۸
- تحصیلات اربابان جراید.....	۳۱
- زبان نثریات.....	۳۳
- توقیف و سانسور مطبوعات در شهرهای کردنشین در دوره پهلوی.....	۳۳
- وضعیت چاپخانه های موجود در شهرهای کردنشین.....	۳۴
فصل دوم - آشنایی بامشخصات کلی مطبوعات در شهرهای کردنشین از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران.....	۳۷

فصل سوم - بررسی محتوایی مطبوعات شهرهای کردنشین از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران

- ۸۲..... بررسی محتوایی روزنامه های فارسی زبان منتشره در شهرهای کردنشین.....
- ۱۰۰..... بررسی محتوایی نشریات کردی زبان منتشره در شهرهای کردنشین.....
- فصل چهارم - اسناد مربوط به شهرهای کردنشین از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران
- ۱۰۸..... آریا.....
- ۱۰۸..... آمار چاپخانه ها و روزنامه های ارومیه.....
- ۱۰۹..... اخبار.....
- ۱۱۰..... اخوت.....
- ۱۱۰..... افق روشن.....
- ۱۱۱..... انقلاب غرب.....
- ۱۱۲..... انقلاب کاوه.....
- ۱۱۳..... ایران پاینده.....
- ۱۱۶..... بیستون.....
- ۱۱۷..... خاک خسرو.....
- ۱۱۷..... خروش غرب.....
- ۱۱۸..... دعوت اسلامی.....
- ۱۱۸..... دلیران رضائیه.....
- ۱۲۰..... رستخیز غرب.....
- ۱۲۰..... رضائیه.....
- ۱۲۳..... سعادت ملی.....
- ۱۲۳..... سلحشوران غرب.....
- ۱۲۳..... سنج.....
- ۱۲۵..... شاهد غرب.....
- ۱۲۶..... شمال ایران.....
- ۱۲۷..... صدای رضائیه.....
- ۱۳۰..... طاق بستان.....
- ۱۳۱..... غرب.....

- ۱۳۱..... فصاحت.
- ۱۳۲..... فریاد غرب.
- ۱۳۴..... فرهنگ گروس.
- ۱۳۴..... فوق العاده آریا.
- ۱۳۴..... کردستان.
- ۱۳۵..... کرمانشاه.
- ۱۴۲..... کوکب درخشان.
- ۱۴۳..... کوکب غرب.
- ۱۴۸..... کیوان.
- ۱۵۶..... گروگالی مندالانی کورد.
- ۱۵۷..... مرآت.
- ۱۵۸..... مطبوعات ارومیه.
- ۱۵۹..... مطبوعات کرمانشاه.
- ۱۶۵..... ناله.
- ۱۶۵..... ندای غرب.
- ۱۶۷..... نشریه حزب عدالت.
- ۱۶۷..... نفحات.
- ۱۶۸..... نهضت غرب.
- ۱۶۹..... نوای کرمانشاه.
- ۱۷۱..... نتیجه گیری.
- ۱۷۳..... منابع و مآخذ.

پیوست‌ها



چکیده

مطبوعات به عنوان یکی از رسانه های مهم خبری در بازتاب تحولات و وقایع جامعه و جهت دهی به آنها رسالت عظیمی بر دوش دارد. مطبوعات در شهرهای کردنشین مانند همه شهرهای ایران دارای فراز و نشیب هایی است که سرنوشت آن مستقیماً به نوع حکومت و سردمداران آنها بستگی داشت. به طوری که با گسترش آزادی، کیفیت و کمیت مطبوعات بالا می رفت و با وجود استبداد، مطبوعات دچار رکود و توقیف می شد.

مطبوعات در شهرهای کردنشین مقارن با انقلاب مشروطه شروع به رشد و نمو کردند و در بیداری افکار مردم نقش مهمی ایفا نمودند. اما با شروع دیکتاتوری رضاخان دوران خفقان و سکوت مطبوعات آغاز گشت. در این دوره طبق اسناد فراوان مطبوعات این شهرها به شدت توسط شهربانی کنترل می شد و مجالی برای آزاداندیشی و دموکراسی باقی نمی ماند. بعد از سقوط رضا شاه در سال ۱۳۲۰ش در شهرهای کردنشین احزاب سیاسی شروع به فعالیت نمودند، این احزاب دست به انتشار روزنامه های متنوعی زدند. یکی از این احزاب، حزب دموکرات کردستان بود که توانست روزنامه های کردی زبان فراوانی منتشر سازد. اما دوران اوج فعالیت های روزنامه نگاری در شهرهای کردنشین به دوران مصدق بر می گردد، که فراوانی روزنامه ها در این شهرها خود شاهدهی بر این مدعاست. با سقوط مصدق و شروع دوره دوم دیکتاتوری محمدرضا پهلوی وضعیت مطبوعات در شهرهای کردنشین سیر نزولی پیدا کرد. و باید گفت مطبوعات نتوانستند با وجود توقیف و سانسور در برابر استبداد قدامت کنند.

کلید واژه ها: احزاب سیاسی، انقلاب مشروطه، دوره پهلوی، شهرهای کردنشین، مطبوعات.

مقدمه

مطبوعات به عنوان یکی از منابع مستند در پژوهش‌های تاریخی می‌تواند نقش بسیار اساسی در شناساندن تحولات یک منطقه داشته باشد. پژوهش در اوضاع شهرهای کردنشین بدون توجه جدی به مطبوعات آن دوران میسر نیست. شهرهای کردنشین در فاصله زمانی انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران شاهد رخدادهای فراوانی بوده است. این تحولات نقش مهمی در زندگی و سرنوشت مردم این مناطق دارد. مطبوعات در این مناطق مثل همه شهرهای ایران در یک دوره زمانی شاهد رشد کمی و کیفی بوده است و در برهه زمانی دیگر سیر نزولی پیموده است. مقارن با انقلاب مشروطه مطبوعات جای خود را در این شهرها باز کرد و نقش خود را در این نهضت آزادی بخش در جهت تنویر افکار عمومی به خوبی ایفا نمود. اکثر روزنامه‌های منتشره در این شهرها طرفدار مشروطه، آزادیخواهی و دموکراسی بودند و مردم را نیز به آزادیخواهی دعوت می‌کردند. این روند تا پایان حکومت قاجاریه به طور نسبی ادامه داشت. ولی با ظهور دیکتاتوری رضاشاه بساط آزاد اندیشی برچیده شد و مطبوعات در این مناطق با سانسور و توقیف روبرو گشتند.

شکوفایی مطبوعات در شهرهای کردنشین هم زمان با سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش. است. که تحولات مهمی چون سقوط رضاشاه، رشد روز افزون احزاب و گروههای سیاسی، ورود متفکین به ایران و جانبداری آنها از گروههای قومی جهت استقلال سیاسی، تشکیل جمهوری کردستان در مهاباد و شهرهای اطراف آن، ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد، سقوط دولت مصدق که بازتاب تمامی این وقایع در مطبوعات این شهرها نمایان است. پایان این دوره مثل تمامی نقاط ایران، پایان فضای آزادی نسبی حاکم بر مطبوعات در این مناطق است. به طوری که بعد از این دوران ما کمتر شاهد روزنامه‌های مهم و با محتوا هستیم. نشریات منتشره در این زمان بیشتر شامل اخبار بولتنی و انتقادهای جزئی و سطحی است. در یک کلام می‌توان گفت که جو استبدادی و دیکتاتوری حاکم، مانع از کارکرد اصلی مطبوعات و انجام رسالت خطیر آن در این مناطق می‌باشد.

در نگارش این تحقیق از منابع و اسناد فراوانی جهت آشنایی با مطبوعات شهرهای کردنشین استفاده شده است که در سه دسته قرار می‌گیرند.

دسته اول: مجموعه اسناد مربوط به روزنامه‌های منتشره در این شهرها که در سازمان اسناد ملی و مجلس شورای اسلامی موجود بود.

دسته دوم: مجموعه روزنامه‌ها و مجلاتی که در سازمان اسناد ملی، کتابخانه ملی، مجلس شورای اسلامی، سازمان اسناد شهرستان سنندج و کتابخانه مستوره اردلان وجود داشت که مورد استفاده قرار گرفت.

دسته سوم: استفاده از منابع نوشتاری و کتبی که در مورد مطبوعات نگاشته شده اند که از لابلای مطالب آن اطلاعات مربوط به مطبوعات شهرهای کردنشین استخراج گشته است. و ما در پائین به معرفی تعدادی از آنها می پردازیم.

۱- پیشینه مطبوعات محلی استان کردستان که توسط آقای ایرج مشعوف نگاشته شده است. این نوشتار به معرفی تمامی نشریاتی که در کردستان و خارج از این استان در مورد کردستان نگاشته شده است می پردازد.

۲- شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی، که آقای مسعود برزین در این کتاب به معرفی مطبوعات ایران و ذکر مشخصات آنها در سالهای مذکور پرداخته است.

۳- تاریخ جراید و مجلات ایران نوشته آقای محمد صدر هاشمی که وی نیز اطلاعات جالبی در مورد مطبوعات ایران می دهد و ما هم بسیاری از مشخصات مطبوعات شهرهای کردنشین را از آن استخراج نموده ایم.

۴- راهنمای مطبوعات ایران (۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ ش) سید محمد صدری طباطبایی کتابی است که فهرست کاملی از مشخصات مطبوعات در شهرهای کردنشین را در خود جای داده است ما در نوشتن این نوشتار از آن بهره فراوان برده ایم.

۵- روزنامه نویسی کوردی سه رده می کوماری دیمو کراتی کوردستان. این کتاب نوشته آقای حسین. د. همیدادی به زبان کردی است که در سلیمانیه عراق منتشر شده است. این کتاب اطلاعات ذیقیمتی در مورد نشریات منتشره توسط حزب دموکرات کردستان به دست می دهد. ما در این نوشتار اکثر تصاویر و اطلاعات مربوط به روزنامه ها و مجلات کردی را از این کتاب استخراج نموده ایم.

۶- کتاب دیگر توقیف مطبوعات ایران در گذر زمان از ۱۲۰۲ ه. ش تاکنون نوشته آقای بیژن خاکپور است در این کتاب مطالب جالبی راجع به روزنامه های توقیفی و علل آن یافتیم.

۷- اسناد مطبوعات ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۲) مجموعه چهار جلدی از اسناد موجود در سازمان اسناد ملی که به کوشش آقایان محسن روستایی و غلامرضا سلامی جمع آوری و نگاشته شده است.

در پایان بر خود لازم می دانم از زحمات فراوان آقای دکتر علی رضا علی صوفی و آقای دکتر عباس زارعی مهرورز که با راهنماییهای خود ما را در انجام این تحقیق یاری رساندند تقدیر و تشکر نمایم.

فصل اول کلیات



کلیات

تعریف مساله و بیان سوالهای اصلی تحقیق

با توجه به اینکه مطبوعات بیان کننده حوادث، اتفاقات و تحولات هر جامعه ای است. برای تحقیق در تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، هنر و علم هر جامعه‌ای روزنامه‌ها یکی از منابع اصلی محسوب می‌شوند. لذا برای بررسی اوضاع همه جانبه شهرهای کردنشین در دوره زمانی انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران مطبوعات منبع مهمی به شمار می‌رود. نقش مطبوعات شهرهای کردنشین در تحولات مربوط به انقلاب مشروطه و جنبشهای آزادیخواهانه‌ی، بین دو انقلاب بسیار مهم است. لذا بررسی مضامین و محتوای مطبوعات در شهرهای کردنشین در دوره‌ی مذکور در جهت آشنایی با تحولات مهم آن لازم و ضروری است.

۱- مطبوعات در شهرهای کردنشین در انقلاب مشروطه و رویدادهای بین دو انقلاب چه نقشی بر عهده داشتند؟

۲- احزاب سیاسی موجود در مناطق کردنشین در انتشار روزنامه‌ها چه نقشی داشتند؟

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

با توجه به اینکه در زمینه‌ی مطبوعات منتشره در مناطق کردنشین اطلاعات کمی وجود داشت. البته اطلاعات کلی در مورد این نشریات در کتابهای مختلف وجود داشت که کمتر به بررسی محتوایی این روزنامه‌ها پرداخته شده است. و نقش آنها در تحولات جامعه کمتر مورد بررسی قرار گرفته است لذا ضروری به نظر می‌رسد که در مورد مطبوعات در این مناطق و نقش آنها در تحولات جامعه و محتوا و مضامین آنها بررسی بیشتری صورت گیرد.

فرضیه‌ها

۱- به نظر می‌رسد که مطبوعات شهرهای کردنشین که توسط افراد تحصیل کرده و روشنفکر جامعه منتشر می‌شده است در تحولات مربوط به جریانهای آزادیخواهانه همچون انقلاب مشروطه و رویدادهای بین دو انقلاب جهت آشنایی مردم با حوادث و اتفاقات روز همگام با سایر نهادهای جامعه نقش اطلاع دهنده و هدایت کننده را بر عهده داشته است.

۲- به نظر می‌رسد که هر حزب سیاسی تشکیل یافته در مناطق مختلف کردنشین برای بیان اهداف و مرام سیاسی خود اقدام به انتشار روزنامه می‌دادند. به همین دلیل اکثریت احزاب سیاسی در انتشار روزنامه برای آگاهی مردم و ایفای نقش سیاسی خود، نقش مهمی را ایفا می‌کردند.

اهداف

۱- آشنایی با مطبوعات در شهرهای کردنشین و نقش آنها در تحولات مربوطه در این دوره.

۲- آشنایی با اوضاع و احوال کردستان و مناطق کردنشین بین دو انقلاب از طریق مطبوعات موجود.

روش کار

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات بر پایه ی تحلیل محتوای داده هاست.

تعاریف و مفاهیم

مطبوعات یکی از رایجترین و شاخصترین محصولات جامعه صنعتی می باشد. در دنیای امروز، مصرف روزنامه و مجله ضابطه ای بسیار گویا برای اندازه گیری میزان پیشرفت و توسعه هر جامعه ای است.^۱ در عصری که امروزه به نام عصر ارتباطات می شناسیم فرهنگ و اندیشه ورزی در واقع مولد و موجد زیربنای توسعه ملت ها و آینه ای است تمام نمودارهای شفاف برای نمایش باورها، حقیقتها و خوشی ها و ناخوشی ها و خلاصه فرآیندهای یک ملتی در درازنای تاریخ؛ و نیز نشانه ضریب توانمندی، بلوغ سیاسی، آموذگی و آموزندگی و فرد پژوهی ملتی است با رویکردها و راهبردهای فکری و فرهنگی او و به حافظه سپردن شاخص های آن برای آیندگان.^۲

در واقع مطبوعات و رسانه ها منعکس کننده تاریخ، فرهنگ، دین، اجتماع و سیاست در هر جامعه می باشد. به طوری که تاریخ فرهنگ هر ملتی به اعتباری تاریخ تحول اندیشه و تفکر آنهاست فرهنگ باز تاب ارزشهای مشترک هر دوره است. و این ارزشها محصول اندیشه های مردم است. هر چه جامعه از اندیشه - ورزی بازتر و پویاتر برخوردار باشد در روابط اجتماعی متقابل موجب خلاقیت های بیشتری می شود و به دنبال آن فرهنگ غنا می یابد. که با نهادینه شدن جریان اندیشه ورزی آزاد، اندیشه ها در قالب محصولات فرهنگی نوشته شده در می آیند و جامعه به سوی توسعه گام بر می دارد. بنابراین توسعه فرهنگی، با رشد و توسعه مطبوعات در هر جامعه ای رابطه مستقیم دارد. به عبارت دیگر در جامعه ای که مردم به مرحله اندیشه ورزی رسیده اند فرهنگ نوشتاری رشد و توسعه یافته است.^۳ رسانه مطبوعات به عنوان « رکن چهارم دموکراسی » یکی از شاخصهای اساسی، نقش سترگی در توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه داشته و خواهد داشت. بنا به گفته آقای شهاب الدین شیخی: « شاید روزنامه ها در میان موضوعهای تحقیقی تاریخی از جمله مقولاتی باشد که فشرده ترین روابط را با وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سطح فرهنگی جامعه و عصر و دوره ای دارد که منعکس کننده آن است.»^۴

^۱ - پیر، آبر، مطبوعات، ترجمه فضل الله جلوه، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱

^۲ - _____ «نقش مطبوعات در توسعه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کردها» در: فصلنامه فرهنگی ادبی و اجتماعی (با روش

تحلیلی پژوهشی) شماره ۷۳، بهار ۱۳۹۰، ص ۷

^۳ - مجله مهاباد، شماره ۲۲، سال سوم، اردیبهشت ماه ۱۳۸۲، ص ۶۲

^۴ - شهاب الدین، شیخی، «هرگز به صد نرسیدیم بررسی اجمالی مطبوعات کردستان از ۳۰ سال پس از انقلاب» در: نشریه

اعتماد، ۱۳۸۷، ص ۱

با توجه به نقش بسیار مهم مطبوعات و روزنامه‌ها در ارتباطات بین جوامع و ملتها و نقش آنها در حوادث سرنوشت ساز برای ملتها مخصوصاً نقش بسیار مهم مطبوعات در تحولات شهرهای گردنشین در فاصله زمانی بین انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران ابتدا در جهت آشنایی با مفهوم روزنامه و روزنامه‌نگاری و انواع و اقسام آن مطالبی را در پائین ذکر می‌کنیم و پس از آن به ویژگیهای مطبوعاتی در شهرهای گردنشین می‌پردازیم.

ژورنال: *journal* از واژه *dejour* به معنای روزانه یا خبر روز و ژورنالیسم به معنای روزنامه‌نگاری است. تمامی بولتن‌های خبری، علمی، سیاسی، اطلاعاتی، بخش‌نامه‌های دولتی و غیردولتی، کلیه روزنامه‌ها و مجلات از هر نوع آن و نشریه‌های هفتگی، فصلنامه، ماهنامه به طور کلاسیک در قالب ژورنالها در کشورهای صنعتی قرار می‌گیرند. هر یک از ژورنالها از ویژگی خاصی برخوردارند که برخاسته از نگرشهای فردی، گروهی، حزبی و صنفی جوامع سنتی یا صنعتی است. در نتیجه هر ژورنال نمایانگر چگونگی بافت فکری، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی، فرهنگی و هنری اصناف در جامعه است. ژورنالیسم انواع گوناگونی دارد که عبارتند از: ژورنالیسم جنجالی، اقناع‌کننده، روان‌تنشی، سرکوب‌کننده، احساس برانگیز، جدال‌انگیز، دموکراتیک (که پذیرفته‌ترین نوع است که از اصول حکومت ملی طرفداری می‌کند) اخلاقی، عوام‌فریب، متعهد، واسطه (پل ارتباطی میان دولت و ملت است) و علمی.^۱

مطبوعات را رکن چهارم نظام مشروطه از آن روی می‌نامند که از نظر کارآیی مانند قوه قضائیه که نظارت بر اجرای درست قوه مجریه دارد، عمل می‌کند. در مکتب ژورنالیسم صحت و سقم و یا کارآیی قوانین مصوبه (قوه مقننه) سیستم مدیریت اجرایی (قوه مجریه) و نیز عملکرد قضایی (قوه قضائیه) هر کشور مورد نقد و تحلیل قرار می‌گیرد ژورنالیسم که نقش اساسی خود را در ایجاد رابطه درست بین ملت و دولت می‌داند به دلیل ساختار فلسفی خود که مکلف به دفاع از حقوق ملت و دولت است رکن چهارم و قوه چهارم نامیده می‌شود. مطبوعات به عنوان قوه چهارم از یک طرف با رسوایها و نابسامانیهای اجتماعی و فسادهای مالی و خودکامگیها در اشکال گوناگون می‌پردازند و از طرف دیگر از حقوق افسار ملت دفاع می‌کند. باورهای درست اجتماعی را تقویت می‌کند و گامهای مثبت و سازنده‌ای را به نفع توده‌های مردم تحلیل می‌کند.^۲

مطبوعات: مطبوعات عبارتند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی و نظایر اینها منتشر می‌شود.^۳

^۱ - عباسعلی، مهاجری، واژه‌نامه علوم مطبوعات و روزنامه‌نگاری، تهران، دانشیار، ۱۳۸۵، صص ۱۳-۱۵

^۲ - همان، ص ۱۹

^۳ - ماده ی یک قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴

روزنامه: هر نوع "نشریه ادواری" که معمولاً روزی یکبار منتشر می شوند.^۱

ماهنامه: در روزنامه نگاری "ادوارنامه" ای که ماهی یکبار منتشر می شود.^۲

مجله: در روزنامه نگاری، هر نوع "نشریه ادواری" معمولاً مصور با هر نوع موضوع، که غالباً هفتگی، دو هفتگی یا ماهانه منتشر می شود.^۳

فصلنامه: هر نوع "نشریه ادواری" مرجع، که هر سه ماه یکبار، یا چهار شماره در سال منتشر می شود.^۴

سالنامه: نوعی کتاب یا "نشریه ادواری" مرجع، که هر سال یکبار منتشر می شود و اطلاعات مربوط به موضوع یا موضوعات معینی را که در سال نشر آن یافته شده است مرور می کند.^۵

روزنامه نگار: کسی است که قسمت اعظم فعالیت‌های خویش را صرف روزنامه نگاری می کند و عمده درآمد خود را از این راه به دست می آورد.

هیئت تحریره: مجموعه روزنامه نگاران یک رسانه، گروهی را تشکیل می دهند که در اصطلاح آن را هیئت تحریره می خوانند. هیئت تحریره بخش اساسی و درعین حال پیچیده‌ترین بخش یک گروه مطبوعاتی است.^۶

مطبوعات در جامعه ایران و به تبع آن شهرهای کرد نشین گرچه آرام آرام به درون جامعه خزید و جا پای خود را باز کرد اما بنا به دلایلی وظیفه اصلی خود را به طور کامل انجام نداد که مهم ترین مانع آن حاکمیت نظام خودکامه و مستبد است که مانع از کارکرد صحیح آن در امر تنویر افکار و ایجاد آگاهی در افکار سنتی و بسته جامعه بود.^۷

بهر حال مطبوعات در جامعه ما به عنوان یکی از مظاهر تمدنی که نشانگر دموکراسی و آزادی جوامع و فرهنگ پیشرفته آن است برای اولین بار در دوره قاجاریه، به دلیل تحولات جهانی و توجه کشورهای استعمارگر به ایران که باعث ایجاد مراوده بین جوامع ایرانی و اروپایی گشت و به دنبال آن بسیاری از آداب و رسومات از این طریق از اروپا به عاریه گرفته شد. و منجر به تحولات مهمی در جامعه ایران

۱- محمدرضا، محمدی فر، فرهنگ روزنامه نگاری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴

۲- همان، ص ۳۶۶

۳- همان، ص ۳۶۸

۴- همان، ص ۳۲۱

۵- همان، ص ۲۶۰

۶- فیلیپ، گایار، فن روزنامه نگاری، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۸

۷- علیرضا، امینی وحیب الله ابوالحسن شیرازی، تحولات سیاسی - اجتماعی ایران از قاجاریه تا رضا شاه، تهران، قومس،

ص ۸۳، ۱۳۸۲

گشت که جنبش بیدار سازی مردم و انقلاب مشروطه از تبعات آن است، که تحولات بنیادینی را در سیستم سیاسی و اداری ایران به وجود آورد.

روزنامه در ایران برای اولین بار توسط "میرزا صالح فسایی شیرازی" در سال ۱۲۵۲ ه.ق در تهران با نام "کاغذ اخبار" در یک صفحه منتشر شد. که نامبرده خود از افرادی است که به اروپا رفته و در این زمینه تحصیل نموده است.^۱ بعد از این روزنامه رفته رفته انتشار روزنامه های دولتی و غیر دولتی در ایران قوت گرفت و به عنوان جزء لاینفک جامعه در آمد. مطبوعات در شهرهای کردنشین نیز که موضوع این گفتار است مثل همه شهرهای ایران به صورت آرام و متوالی علیرغم مشکلات و موانع بسیار اقتصادی، فرهنگی سیاسی جای خود را در زندگی مردم باز کرد. همانطور که خانم سهیلا رئیسی مبارکه و محبوبه بابایی در کتاب خود به این نکته اشاره می کنند که: «نقطه اوج فعالیت های مطبوعاتی در شهرستانها با آغاز قیام مشروطه همراه بود. تا قبل از قیام مشروطه اغلب روزنامه ها و مجلات منتشره در شهرستانها دولتی بودند؛ در حالی که در چنگ استبداد، خرافات، بی سوادی و جهالت دست و پا می زدند، تاثیر مهمی داشتند.»^۲ اگر بخواهیم به اولین روزنامه منتشره در شهرهای کردنشین اشاره کنیم باید از اولین روزنامه غیر فارسی و دومین نشریه ادواری منتشره در پنجمین شهر روزنامه دار کشورمان در دوره قاجاریه یاد کنیم. روزنامه ای که توسط گروهی مبلغ آمریکایی به سرپرستی مستر جستن پرکینز در سال ۱۸۴۹م در شهر ارومیه تحت عنوان "زاریرادی باهرا" و "زاراریت باهرا" و اسامی مختلف دیگری ثبت شده است که آن را به فارسی تحت عنوان "طلوع روشنایی" و "اشعه روشنایی" و "شعاع روشنایی" و غیره ترجمه کرده اند. این هیئت برای اولین بار دستگاه چاپ را وارد ارومیه کرده اند که حتی مسلمانان نیز از آن استقبال بسیاری کرده اند. روزنامه در ابتدا نوع و روش آن مذهبی و دینی بوده است ولی بعدا مطالب آن متنوع گشته و موضوعات مختلفی را شامل می شده است. این روزنامه بمدت ۶۹ سال یعنی از زمان سال دوم سلطنت ناصرالدین شاه تا اوایل سال ۱۹۱۸ م زمان پادشاهی احمد شاه قاجار منتشر می شده است و یکی از طولانی ترین و مداوم ترین روزنامه های ایران محسوب می شود. قابل ذکر است که این روزنامه در سه دوره، از انتشار آن جلوگیری شده است که یک دوره آن توسط عسگر خان سرتیپ حاکم ارومیه بوده است. بار دوم در سال ۱۸۹۳ م به علتی نامعلوم توقیف گشت. که ناصرالدین شاه شخصا حکم انتشار مجدد آن را صادر کرد و برای بار سوم در سال ۱۹۱۵م به علت اشغال ارومیه توسط سربازان ترک به مدت هفت ماه امکان طبع و نشر آن وجود نداشت.^۳ قابل ذکر است که شهر ارومیه در میان سایر شهرهای کردنشین جزء اولین شهرهایی است که دارای روزنامه البته به زبان کلدانی (سریانی) و چاپخانه بوده است. به همت این روزنامه

^۱- مجید، فروتن، اسناد مطبوعات همدان از آغاز تا امروز، همدان، مدیریت اسناد ملی غرب کشور، ۱۳۸۴، ص ۱۸

^۲- سهیلا، رئیسی مبارکه و محبوبه بابایی، مطالعاتی در تاریخ چاپ، تهران، گلشن راز، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳

^۳- فرید، قاسمی، اولین های مطبوعات ایران، تهران، آبی، ۱۳۸۱، صص ۱۴۱-۱۶۴

به قول روزنامه اختر « مردم آگاه شدند و با روزنامه و فرهنگ نوشتاری آن آشنا شدند» بعد از شهر ارومیه دومین شهر کردنشین که دارای روزنامه شد، شهر سنندج می باشد. "تمدن" نشریه ای که در سال ۱۲۸۲ش یعنی درست سه سال قبل از انقلاب مشروطه و در بجنوبه نهضت آزادیخواهان و مشروطه طلبان در سنندج منتشر شد.^۱ بنا به گفته آقای ایرج مشعوف: «مرحوم مظهر الاسلام سنندجی (ابوالبقاء سنندجی) از بنیانگذاران هیات کارگران برای تنویر افکار عمومی و روشن کردن اذهان مردم روزنامه ای به نام تمدن منتشر نمودند. که به علت نبودن وسایل چاپ در کردستان با ژلاتین کپی می شد و از ترس مخالفین آزادی و دموکراسی در خفا و شبانه طبع و توزیع می گردد.»^۲

مرحوم مظهر علاوه بر ساخت مدارس در سنندج در دوره حکمرانی سالار الدوله، که هدف آن جبران عقب ماندگی فرهنگی مردم آن سامان بود. که البته با کار شکنی عده ای مخالف آزادی و دموکراسی در دوره حکمرانی جلال الدوله بسته شده بود که با انقلاب مشروطه مجدداً این مدرسه باز شد. مرحوم مظهر به معیت کسانی مانند حاج شیخ ابراهیم و مرحوم سالار اشرف کمانگر به مبارزه علیه استبداد و مستبدین و مرام آنها قیام کرد، که مهم ترین اقدام وی جهت تنویر افکار عمومی و روشن کردن اذهان مردم و بالا بردن سطح آگاهی جامعه همان انتشار روزنامه تمدن می باشد.^۳

از دیگر روزنامه های قدیمی منتشره در سنندج از روزنامه اتحاد یا ندای اتحاد می توان نام برد که توسط شیخ محمد مردوخ آیت الله کردستانی در اوایل مشروطیت تاسیس شده است. شهر کرمانشاه نیز از جمله شهرهای کردنشین می باشد، که مقارن با انقلاب مشروطیت مانند همه شهرهای ایران روزنامه در آن منتشر شد. اولین روزنامه غیر رسمی منتشره در این شهر روزنامه شهاب ثاقب است که در سال ۱۳۲۴ه.ق به صورت محرمانه توسط عبدالکریم غیرت کرمانشاهی از شعرا و نویسندگان نامی کشور، در دوران مظفرالدین شاه با همکاری محمد صباح کازرونی با چاپ ژلاتین و خط خوش و معروف سید عبدالکریم غیرت به چاپ رسید. این روزنامه از جمله نشریاتی است که مقارن با مشروطیت و آزادیخواهی دست به نشر مقالاتی با مضامین آزادیخواهی، دموکراسی و مشروطیت می پرداخت. که با توجه به جو استبدادزده و مخالف آزادی و دموکراسی آن زمان در کرمانشاه به صورت محرمانه و سری چاپ و توزیع می شده است. به دنبال نشر این روزنامه بتدریج روزنامه های دیگری نیز با عناوین مختلف منتشر شدند که هر کدام بسته به هدف و مرام خاص خود توانستند نقش مهمی در تحولات جامعه ایفا کنند. تعدادی از این نشریات در طول زمان طولانی توانستند به انتشار روزنامه پردازند و به حیات مطبوعاتی خود ادامه دهند

۱- بابا مردوخ، روحانی، تاریخ مشاهیر کرد، ج دوم، تهران، سروش، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰

۲- ایرج، مشعوف، «پشینة احزاب سیاسی» در: فصلنامه فرهنگی، پژوهشی فرهنگ کردستان، شماره ۹-۱۰، زمستان ۸۰ و بهار

۸۱ ص ۱۳۹

۳- بابا مردوخ، روحانی، ص ۲۰۱

ولی تعدادی از روزنامه‌ها مخصوصاً آن دسته از روزنامه‌های غیر دولتی و خصوصی به دلیل درج مطالب ضد حکومتی، مسائل مالی و مشکلات چاپی نتوانستند به حیات خود ادامه دهند و از بازار مطبوعاتی خارج گشتند. گرچه تعدادی از این روزنامه‌ها به دلیل نشر مطالب جالب و آزادیخواهانه خود تا مدت‌های مدیدی در ذهن و خاطر مردم ماندند. این روزنامه‌ها عموماً شامل روزنامه‌های کردی زبانی می‌شد که توسط جمهوری کردستان در مهاباد با خط مشی ناسیونالیستی کردی منتشر می‌شد. که با پایان جمهوری در مهاباد عمر این نشریات نیز به پایان آمد. البته بعد از آن اشخاصی به انتشار مجدد آن روزنامه‌ها به صورت محرمانه دست می‌زدند. که بعد از مدتی با کشف آن توسط سران رژیم شاهنشاهی و دستگیری مدیران آن، این نشریات تعطیل و توقیف می‌شدند.^۱

در این گفتار برای جمع‌آوری مشخصات و بررسی محتوایی روزنامه‌های منتشره در شهرهای کردنشین از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران از منابع مختلفی چون نشریات موجود، اسناد و کتابهای مربوطه استفاده شده است. در ذیل با توجه به تقسیمات تاریخی به بررسی ویژگیهای مطبوعاتی و تجزیه و تحلیل وضعیت مطبوعات در شهرهای کردنشین می‌پردازیم.

ویژگی نشریات در دوره قاجاریه در شهرهای کردنشین

با توجه به اینکه موضوع گفتار کنونی مطبوعات در شهرهای کردنشین از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران است. لذا بررسی مطبوعات این دوره از سال ۱۳۲۴ ه.ق (۱۲۸۵ ش، ۱۹۰۶ م) تا پایان حکومت قاجاریه یعنی سال ۱۳۰۴ ش به مدت زمانی ۱۹ سال می‌باشد. در طول این دوره در شهرهای کردنشین حدود ۴۰ عنوان نشریه منتشر شده است که طبق گفته آقای محمد حسین شیریان در شهر کرمانشاه در این دوره ۲۳ عنوان نشریه منتشر شده است.^۲ بعد از این شهر ۱۴ عنوان در شهر ارومیه و بقیه شهرها در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. همان‌طور که در بالا می‌بینیم وضعیت مطبوعات در شهر کرمانشاه در این دوره زمانی نسبت به سایر شهرهای کردنشین چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی با توجه به نشریات منتشر شده در سطح بالاتر و مناسبتری قرار دارد. البته شاید علت کمی نشریات را در شهرهای کردنشین در استبداد حاکم، جوخفقان زده، نبود امکانات چاپی و چاپخانه، فقر فرهنگی، کمبود امکانات مالی، بی‌سوادی مردم، ناآشنایی مردم با نقش مطبوعات در تحولات جامعه و بی‌توجهی دستگاه حاکمه نسبت به وضعیت و سرنوشت مردم این مناطق دانست.

نوع و روش

^۱ - دیوید، مک‌داول، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، پانیزد، ۱۳۸۶، صص ۴۱۷ و ۴۲۸

^۲ - محمدحسین، شیریان، برشور یک قرن با مطبوعات استان کرمانشاه، کرمانشاه، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه، ۱۳۸۶، ص ۲

نقش اساسی مطبوعات در انقلاب مشروطه و بیداری مردم، باعث توجه بیشتر مردم به جایگاه مطبوعات در سرنوشت‌شان شد. به طوری که در شهرهای مختلف روزنامه‌ها و مجلات متنوعی به وجود آمد که به تمامی جنبه‌های زندگی آنها می‌پرداخت. علاوه بر توجه به مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دینی، اجتماعی، بعضی از نشریات به شعر و طنز گوشه‌چشمی داشتند و ستونی از نشریات خود را برای بیان افکار انتقاد آمیز خود به این بخش وا نهاده بودند.^۱ در زیر قسمتهایی از اهداف انتشار روزنامه را که به نوعی بیان مثنوی و روش یک روزنامه است. را از کتاب نگرشی بر روزنامه‌های فکاهی ایران که برگرفته از سرمقاله یکی از روزنامه‌ها است نقل می‌کنیم:

« روزنامه نگاری در مملکت متمدن امروزی یکی از بزرگترین وظیفه‌ایست که نمی‌توان آن را سرسری پنداشت و اهمیتی برای آن قائل نشد. روزنامه نگار باید در مقالات و سایر مندرجات خود، چند چیز را در نظر داشته باشد تا بتواند؛ اولاً مقام خود را حفظ و ثانیاً طرف توجه عامه گردد. به عقیده من شرایطی را که نامه نگار باید واجد آن باشد اول منظور داشتن خدا و دین، دوم دوستی شاه و مملکت، سوم شناسایی طبایع توده در نگارش این دستور از مهمترین وظیفه روزنامه نگاری است.»^۲

با توجه به این که دوره قاجاریه از انقلاب مشروطه تا دوره پهلوی یک دوره ۱۹ ساله را دربرمی‌گیرد و در این دوره زمانی تحولات و رخدادهای بزرگی در سطح ملی و محلی رخ داده است و نشریات با مطالب مکتوب خود اطلاعات بسیار مهمی را در اختیار مردم قرار می‌دادند و به نوعی نقش هدایت بخش را برای افکار عمومی ایفا می‌نمایند. تحولاتی که در این دوره با سرنوشت کشور و همچنین مناطق کردنشین گره خورده است عبارتند از انقلاب مشروطه، استبداد صغیر، حملات سالار الدوله به آزادیخواهان کرد در مناطق کردنشین و تهاجم بر علیه مشروطه، انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ م، مهاجرت نمایندگان مردم به کرمانشاه و تشکیل حکومت موقت ملی در این شهر، که در این زمان نشریه رستخیز در کرمانشاه ارگان و زبان حال حکومت موقت بود و میرزا ابراهیم پور داوود رشتی این روزنامه را می‌نوشت. پور داوود در این روزنامه به طرفداری از آلمانها و ضدیت با روسها و انگلیسیها مقاله می‌نوشت و شعر می‌سرود. این روزنامه تا آخرین روزهای اقامت مهاجران در کرمانشاه انتشار یافت.^۳ علاوه بر اینها حملات روس و انگلیس به شهرهای کردنشین و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش، انقراض سلسله قاجاریه و در سطح محلی نیز بررسی مشکلات مردم، توجه به مسائل مهم عمرانی و آبادانی این مناطق، توجه به آزادی و دموکراسی، حکومت ملی، علم آموزی، تاریخ، فرهنگ و آگاهیها و اطلاعات عمومی پرداخته شده است. در خاتمه این بحث

۱- غلامحسین، مراقبی، نگرشی بر روزنامه‌های فکاهی ایران، ج اول، تهران، ملک، ۱۳۷۸، ص ۱۹

۲- همان، ص ۷۵

۳- محیط، طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران، بعثت، ۱۳۷۵، صص ۱۸۶ و ۲۰۳

می توان به گفته علی کاشفی خوانساری اشاره کرد که: « مهمترین حرف مطبوعات در این سالها و مشروطیت طرفداری از قانون، آزادی، وطن پرستی، اصلاحات و اتحاد بود.»^۱

ویژگی و وابستگی نشریات

اولین ویژگی مطبوعات این دوره که عمدتاً مبتنی بر مطالب غنی و پر محتوایی است که در اکثر نشریات این دوره در شهرهای کردنشین درج شده است. محتوایی که بر پایه آزادیخواهی، دموکراسی، مشروطیت، قانون سالاری، مبانی جدید فکری ماخوذ از اروپاییان، پیشرفتهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، فکری تغییر در دیدگاهها و شیوه زندگی مردم، توجه به علم و علم آموزی و در کل پیشرفت همه جانبه کشور و به تبع مناطق کردنشین است. روزنامه و مجلاتی مانند تمدن، اتحاد، کوکب غرب، کوکب درخشان، اخوت، فریاد، فروردین، کرمانشاه و غیره که جزءنادرتین نشریات از حیث نوع مطلب و غنای آن است. دومین ویژگی نشریات این دوره ادبیات مشروطه، استفاده فراوان و مکرراشعر در روزنامهها در جهت مطرح ساختن مسائل مهم جامعه و رویدادهای سیاسی است. بدین سان شعرا به رسانه‌ای دست یافتند که تکنولوژی جدید برگرداننده شان گذاشته بود؛ یعنی نشریات روزانه و روزنامه‌نگاری که به همین خاطر اولین بستر فعالیت‌های ادبی زمان گردید. بهترین شاعران در این روزگار سردبیر و روزنامه‌نگار بودند. به همین دلیل مطبوعات کیفیت عالی پیدا کرد و محبوبیت گسترده‌ای یافت.^۲ در ذیل با تعدادی از روزنامه‌نگاران شاعر و نویسنده این دوره آشنا می شویم شاعران بزرگی همچون، ابوالقاسم لاهوتی انتشار دهنده روزنامه بیستون و صاحب امتیاز مجله پارس در اسلامبول به فارسی و سراینده دیوان لاهوتی.^۳

میرزا مهدی خان فرهپور ملقب به صدیق دفتر که در انتشار روزنامه‌های رستخیز، غرب ایران و بیستون همکاری فعالی داشت. وی همچنین نائل به اخذ درجه ۳ علمی از طرف وزارت فرهنگ کشور شد. از آثار وی "تاریخ الوند تا مدائن" و رساله "پرچم" بود. او همچنین از اعضای انجمن ادبی کرمانشاه بود و آثار منظومی نیز داشت.^۴

فرج الله کاویانی متولد سال ۱۲۷۶ش در شهر کرمانشاه است. که در انتشار روزنامه‌های کرمانشاه، بیستون، غرب ایران، رهبر و فصاحت دست داشته است.^۵

۱- علی، کاشفی خوانساری، قصه روزنامه جات عهد بوق، تهران، حوا، ۱۳۸۶، ص ۱۸

۲- مریم، بیژنی، فکرآزادی مطبوعات، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات روزنامه، ۱۳۸۴، ص ۳۶

۳- احمد، نیکو همت، شاعران در سنگر مطبوعات، تهران، موسی زاده، ۱۳۸۱، صص ۱۶۹-۱۷۰

۴- همان، صص ۳۹۲-۳۹۳/ بابامردوخ، روحانی، صص ۳۷۷-۳۷۹

۵- همان، ۳۹۴-۳۹۵

دکتر عبدالحسین الهامی در سال ۱۲۶۰ ش در کرمانشاه متولد شد و پس از هشتاد و هشت سال زندگی در سال ۱۳۴۸ ش به سرای باقی شتافت. او موفق به اخذ دیپلم پزشکی از مدرسه دارالفنون شد. و سالها رئیس بهداری کرمانشاه بود. وی دارای بیست و پنج هزار بیت شعر است. وی در انتشار مجله اخوت همکاری داشته است.^۱

سید عبدالکریم غیرت شاعر نامی و بزرگ کرمانشاه که کتاب "کلیات غیرت" شامل دیوان اشعار و آثار دیگر وی می باشد.^۲

میرزا محمد جواد شهاب که در کنار فعالیت روزنامه نگاری چون صاحب امتیازی و مدیرمسئولی مجله فصاحت دارای آثار شعری بسیار زیادی چون دیوان نشاط شهاب، شکرستان، مخزن لالی، دبستان معرفت، کیمیای سعادت، تیرشهاب، چشمه نوش، پریشان، لسان العاشقین بود.

که متاسفانه فقط قسمتی از آن آثار طبع و منتشر شده است.^۳ محمود غنی زاده سلماسی از شعراء و نویسندگان آذربایجان فرزند مشهدی غنی سلماسی در سال ۱۲۹۶ ق در سلماس تولد یافت. در سال ۱۳۲۵ ق مدتی روزنامه انجمن که ارگان انجمنی ایالتی بود را اداره می کرد. در سال ۱۳۲۷ ق روزنامه بوقلمون و در سال ۱۳۲۸ ق روزنامه هفتگی محاکمات را دایر کرد. و مدتی در رضائیه به همراهی آقازاده ارومیه ای روزنامه فریاد را دایر کرد. وی به نوشتن مقالات فراوان در روزنامه های مختلف پرداخت. غنی زاده در سال ۱۳۱۳ ش در سن ۵۷ سالگی درگذشت.^۴

آیت الله مردوخ کردستانی از نویسندگان بسیار بزرگ کردستانی که به فعالیت روزنامه نگاری مشغول بودند. وی در این زمینه و همچنین تاریخ نگاری خدمات بسیار مهمی انجام دادند. و بسیاری افراد دیگر که با مدد افکار آزادیخواهانه خود و استعداد و تواناییهایشان توانستند در جهت روشن ساختن افکار عمومی جامعه و مبارزه بر ضد استبداد و استعمار گامهای مهمی بردارند.

سومین ویژگی مطبوعات این دوره سبک نوشتاری تقریباً مصنوع و مزین به آرایه های ادبی به جای زبان ساده و محاوره ای و ساده می باشد.

چهارمین ویژگی نشریات این دوره انتشار فوق العاده توسط برخی از روزنامه ها می باشد. روزنامه هایی چون کرمانشاه، آریا از این دسته روزنامه ها می باشند.

۱- میرزا احمد، کرمانشاهی، دیوان الهامی کرمانشاهی، مقدمه و تصحیح امید اسلام پناه، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۹، ص ۲۲

۲- شهاب، خضری، فرهنگ کتب و نشریات کردستان، تهران، کالج، ۱۳۸۸، ص ۳۴۳

۳- احمد، نیکو همت، ص ۳۶۴

۴- مهدی، بامداد، شرح حال رجال ایران قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، خلاصه نگاری زیر نظر ذبیح الله علی زاده، تهران، فردوس، ۱۳۸۴، ص ۱۰۴۰

پنجمین ویژگی نشریات این دوره بی‌پروایی مطبوعات است که در هر شماره ضربه‌ای سهمگین به صاحبان قدرت می‌زدند همه‌جبهه قدرت (شاه، دربار، وزیران، مالکان، نظامیان، حاکمان، روحانیون، نمایندگان مجلس و...) را در مقابل جبهه غیر منسجم مطبوعات و مشروطه خواهان قرار می‌داد؛ روندی که عاقبت به تصویب قانون مطبوعات سختگیر در ششم محرم ۱۳۲۶ق در مجلس اول انجامید.^۱

ششمین ویژگی مربوط به روزنامه‌نگاران که آمیزه‌ای از آزادی خواهان تحصیل کرده و ایرانیان فرنگی ماب و اروپا دوست بودند که سیاست و اصلاحات مملکتی را با حرفه روزنامه نگاری بهم در آمیختند و اغلب اهل علم و ادب بودند روزنامه نگاران مبتکر نظام مشروطه در برابر سلطنت استبدادی و ستانده آزادی و مدافع استقلال ایران و بسیج‌گر مردم در برابر تجاوزات بیگانگان و قهرمان مبارزه با حکومتیان ستمگر بوده‌اند و در موقع لزوم از نثار جان خود در راه وطن و آزادی و حکومت و قانون دریغ نورزیده‌اند.

هفتمین ویژگی جدائی نا‌پذیری مجلس و مطبوعات در نظام مشروطه است. به طوری که مطبوعات در نظام مشروطه از نظر آزادی قانونی پدیده‌ای قائم بالذات نیست. نمی‌توان آنرا به تنهایی و جدا از وضع کلی مشروطیت بررسی و مطالعه کرد. زیرا این رکن چهارم مطبوعات با مجلس چنان ارتباط ناگسستنی و بهم پیوسته‌ای دارد که عوامل موثر در سرنوشت آنرا جز با استعانت از علل و اسباب موثر در چگونگی مجلس نمی‌توان به آسانی دریافت و باز شناخت.^۲ این عوامل را می‌توان به وضوح در مندرجات منتشره شده در روزنامه‌های آن دوران در شهرهای کردنشین مشاهده نمود.

هشتمین ویژگی استفاده از سلاح طنز در میان مطبوعات است. تشکیل مجلس و نیز آزادیهای جدید مطبوعات موجب رشد تعداد زیادی روزنامه شد که نه تنها اخبار و تحلیل‌های سیاسی را مستقیماً مطرح می‌کردند، که تعداد زیادی اشعار و مطالب فکاهی خوب و بد نیز چاپ شد. به عنوان نمونه، روزنامه فروردین که دارای یک بخش فکاهی یا هجوی بوده است، تحت عنوان "داغدان- باغدان" (از کوه و باغ پراکنده) و غیره.^۳ از ویژگیهای دیگر روزنامه‌های منتشره در این دوره وابستگی صنفی و حزبی تعدادی از روزنامه‌های منتشره در این فاصله زمانی است. نشریاتی چون کرمانشاه که گرایش دموکرات منشانه داشت و بی‌تمایل به فرقه دموکرات نبود. فروردین که ارگان فرقه دموکرات بود. بیستون که طرفدار منافع حزب توده بود. ارومی ارتودوکسانا و زاراریت باهرا که هر کدام آنها مبلغ یکی از فرقه‌های مسیحیت بودند. مابقی روزنامه‌ها تقریباً خط مشی مستقل، و به زعم خود به هیچ فرقه و دسته‌ای وابسته نبودند. در این دوران با افزایش افراد تحصیلکرده و باسواد و عدم اقناع آنان از طریق مطبوعات دولتی و

۱- علی اکبر، قاضی زاده، جان باختگان روزنامه نگار، تهران، جامعه ایرانیان، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸

۲- عبدالرحیم، ذاکر حسین، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۲۵

۳- علی اکبر، قاضی زاده، ص ۱۲۰۵۸ / مریم، بیژنی، ص ۳۰

افزایش نارضایتی مردم از عملکرد شاهان قاجار، افراد روشنفکر و آزادیخواه و حتی افراد تحصیلکرده بی طرف به فکر انتشار روزنامه هایی به منظور درج دیدگاهها و مطالب مورد علاقه خود جهت آگاهی مردم افتادند لذا، در داخل ایران، در شهرهای بزرگ و کوچک آزادیخواهان دست به انتشار روزنامه، نشریات و شبنامه های مختلف که با حروف سربی و سنگی یا به صورت ژلاتینی به چاپ می رسید، زدند. علیرغم همه فشارها حکومت استبدادی شاهان قاجار نتوانست از گسترش افکار آزادیخواهانه برای همیشه جلوگیری کند.^۱

تا اینجا بحث از روزنامه های فارسی زبان نمودیم اما در این دوره نیز مخصوصا در سالهای پایانی حکومت قاجار در مناطق کرد نشین فعالیتهای استقلال طلبانه ای در مناطق شمال غرب ایران صورت گرفت که رهبری آن بر عهده اسماعیل آقا سمکو بود. اسماعیل آقا یکی از رهبران کرد ایل شکاک بود که حوزه قیام وی مناطق شرقی و جنوبی دریاچه ارومیه شامل ارومیه و سلماس می شد که خواهان به وجود آوردن کردستان مستقل است. فعالیت وی از سالهای ۱۹۱۹م تا ۱۹۲۹م در آذربایجان غربی ادامه داشت.^۲ وی برای بیان قیام خود دست به انتشار روزنامه هایی زد که محل انتشار آنها شهرهای ارومیه و مهاباد بود. یکی از این روزنامه ها در شهر مهاباد به نام "کوردستانی سه ربه خو" (کردستان مستقل) انتشار یافت که زبان حال قیام وی بود.^۳ از روزنامه های کردی دیگر می توان از مجله "کوردستان" که به دو زبان کردی و آذری منتشر می شد و روزنامه "روژی کورد" (روز کرد) را نام برد. اما این نشریات به دلیل سرکوب قیام توسط رضا خان عمر کوتاهشان به سر آمد.

توقیف و سانسور مطبوعات در شهرهای کردنشین در دوره قاجاریه

با نظر به اینکه اکثر روزنامه های منتشره در شهرهای کردنشین به نوعی ناشر افکار آزادیخواهانه در برابر مرتجعین و استبداد طلبان بود و حکومت قاجاریه و ایادی آن نیز استبداد زده بودند نوعی تقابل و سانسور به وجود آمد که حیات مطبوعات را در این شهرها تهدید می کرد. سانسور و توقیف مطبوعات در این شهرها بر اثر عوامل گوناگونی به وجود آمد که عبارتند از دیدگاههای نا آگاهانه و مستبدانه بعضی از بزرگان و هیات حاکمه، جواستبداد زده این شهرها، تجاوزات بیگانگان به داخل کشور و دخالت آنها در امور داخلی این مناطق، زمینه ساز سانسور، توقیف و قتل و کشتار روزنامه نگاران بود. نخستین توقیف روزنامه ها در بیست و چهارم ربیع الثانی ۱۳۲۵ق در شهر ارومیه پیش آمد:

^۱ - سهیلا، رئیسی مبارکه و محبوبه بابایی، صص ۱۲۳-۱۲۴

^۲ - محمد قلی، مجد، از قاجاریه به پهلوی براساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، ترجمه رضا مرزانی و مصطفی امیری، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۵۷۹

^۳ - و، همدی، کردستان و کرد در اسناد محرمانه بریتانیا، ترجمه بهزاد خوشحالی، همدان، نور علم، ۱۳۷۸، ص ۱۹۹

«حضار مجلس فوق العاده انجمن مقدس [ولایتی ارومیه]... طبع و نشر جریده فریاد را هم لازم ندیده و چیزی زایدش پنداشته حکم فرموده بودند که در بعدی (از این پس) نوشته نشود. بعضی گفته بودند که اساسا روزنامه موافق شریعت غرای احمدی نیست و برخی اظهار داشته اند اسامی محترمین شهر را که احیانا مصدر افعال ناشایست می گردند، روزنامه به خوبی نمی برد. جمعی رای داده بودند که نیک و بد ارومیه چرا باید انتشار یافته به سایر بلدان هم برود؟ و بعضی فکر صحیحتری در میان نموده و گفته بودند که وقوعاتی که در شهر ما می شود، خودمان می دانیم و می شنویم و دگر لازم نیست دوباره بنویسند. مختصرا با این قبیل ملاحظات متینه قرار به توقیف فریاد داده و بالصراحه به نام اداره گفته بودند که طبع و نشر فریاد را موقوف دارید.»^۱

فریاد از آن توقیف شفاهی به خود انجمن شکایت کرد و در جلسه بعد، مصلحان و خیر خواهان گفتند "که آزادی قلم یکی از ارکان مشروطیت است" و جواب انجمن مقدس اینچنین تنظیم شد: «بسمه تعالی، این مسئله مسلم است که انعقاد این انجمن به واسطه مشروطه بودن دولت است لهذا جریده فریاد در مسلک خود آزاد می باشد و انجمن به امری که مغایر حریت مطبوعات باشد، رای و فتوی نمی دهد و از این اسناد توقیف که به انجمن داده اند، اعضای انجمن بی طرف و بری هستند.»^۲ انجمن ملی ارومی حکومت خود کامه قاجار برای اختفای این مظالم و خیانت های بی اندازه خود لحظه ای از عالم مطبوعات غافل نبود. و دامنه سلطه خود را بر مدیران مظلوم جراید گسترش می دادند.^۳ و در این راستا علاوه بر استبداد، استعمار روس نیز در این داستان با آنان همگام شد. توقیف نشریه "فروردین" با مدیریت میرزا حبیب الله آقا زاده و سر دبیری اشرف زاده در ارومیه شاهدهی بر این مدعاست. که در این میان اشرف زاده ترور شد. ماجرای ترور از این قرار است که در سال ۱۲۹۰ ش روسیان با نیرنگ وارد تبریز شدند و به دنبال آن روسیان در دیگر شهرهای آذربایجان، از جمله ارومیه هم اردو زدند و به زشتکاری پرداختند. اشرف زاده در این اثنا کابین نامه ای به نام محمد علی میرزا و نیکلا امپراتور روسیه نوشت و آن را در روزنامه فروردین به چاپ رساند. که همین موجب خشم روسیان و کتک کاری وی شد. این روزنامه که سرشار از مطالب ضد روسی و افشای ظلم ها و ستم ها و استعمار گری آن دولت بود باعث نارضایتی روس ها از فروردین شد. ابتدا هر چه سعی کردند مرحوم اشرف زاده نویسنده روزنامه را به خود جلب کنند، ممکن نگردید. تا اینکه در اواخر سال ۱۳۲۹ ش به واسطه مقاله شدید اللحن که در روزنامه چاپ شده بود. کنسول روسیه در ارومیه چند نفر قزاق به اداره روزنامه فروردین فرستاد و محمود اشرف زاده را

^۱- فریاد، شماره ۹، سال اول، پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۵ق

^۲- ناصرالدین، پروین، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان (بحران آزادی)، ج دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۴۹۲

^۳- بیژن، خاکپور، توقیف مطبوعات ایران در گذر زمان از ۱۲۰۲ ه.ش تا کنون، تهران، پاس مشکاه، ۱۳۷۹، ص ۳۶